

منطقه ماوراءالنهر و خراسان پیشتاز جنبش کتاب و کتابخانه در ایران و آسیای مرکزی

* حجت رسولی

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

ماوراءالنهر در منطقه آسیای مرکزی حلقه اتصال و پیوند میان کشورهای آسیای مرکزی و ایران به‌شمار می‌آید. این منطقه که در گذشته بخشی از تمدن کهن ایران بوده است و در دوره اسلامی بخش مهمی از تمدن اسلامی به‌شمار می‌آمده و امروزه جزو کشورهای مختلف شرق ایران و آسیای مرکزی است دوره‌ای طولانی از تاریخ مشترک میان کشورهای منطقه و ایران را رقم زده است. منطقه ماوراءالنهر و در جوار آن خراسان بزرگ نه تنها از سابقه تمدن و فرهنگ پیش از اسلام برخوردار بوده بلکه در دوره اسلامی نیز جایگاه ویژه علمی و فرهنگی خود را حفظ نموده است. در دوره باستان در این منطقه کتابخانه‌هایی وجود داشته که آثار آن تا دوره اسلامی نیز برجای مانده است؛ و در دوره اسلامی نیز پیشتاز و پرچم‌دار کتاب و کتابخانه در حوزه بزرگ تمدن اسلامی به‌شمار می‌آمده است. امروزه بر عموم محققان روشن شده است که نخستین کتابخانه‌ها پس از اسلام در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ شکل گرفت و شهرهایی مانند سمرقند و بخارا و نیشابور و مرو به کانون‌های مهم علم و دانش تبدیل شدند و شعاع تأثیرگذاری آن‌ها کل منطقه ایران اسلامی آن روز را در نور دید. به خصوص در دوره سامانیان در ماوراءالنهر دورانی درخشان در تأسیس مدارس و کتابخانه‌ها به‌شمار می‌آید و علاوه بر کتابخانه‌های وابسته به مساجد کتابخانه‌های قابل توجهی چه از سوی امیران سامانی و چه از سوی اشخاص دانش دوست تأسیس گردیده است. این مقاله می‌کوشد با استفاده از منابع تاریخی و تحقیقات معاصران جایگاه و اهمیت میراث مکتوب منطقه ماوراءالنهر و خراسان را در رشد و توسعه علمی ایران در حوزه تمدن اسلامی تبیین نماید و در این رهگذر برخی از مهم‌ترین کتابخانه‌های منطقه را معرفی خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: کتابخانه، تمدن اسلامی، خراسان، آسیای مرکزی، مساجد

Transoxania and Khurasan: Pioneers of Book and Library Movement in Iran and Central Asia

Hojjat Rasouli

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature
Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Abstract

Transoxania is a region in Central Asia which acts as a link between the Central Asian countries and Iran. As a common history between Iran and regional countries and part of the ancient civilization of Iran, this region was considered as a significant element of the Islamic civilization during the Islamic period and today covers different countries in the east of Iran and Central Asia. Transoxania and the Great Khurasan at its vicinity had not only a pre-Islamic heritage of civilization and culture, but preserved its scientific and cultural status during the Islamic era. In the ancient times, there existed some libraries whose significance remains up until the Islamic era. Moreover, this region was the pioneer of publishing and reading books in the vast area of Islamic civilization. Today, it is known to scholars that the first libraries after Islam were established in Transoxania region and the Great Khurasan. Cities like Samarghand, Bokhara, Nishabour and Marv became the focal point for science and knowledge and spread their impact on Islamic Iran. Specifically, during the Samanid era, Transoxania was the region for setting up libraries and schools. Apart from the Mosque-dependent libraries, many significant libraries were built by the Sasanid Amirs or knowledge-loving individuals. This article is an attempt to investigate the role and significance of the written heritage of Transoxania and the Great Khurasan in the development of the Islamic civilization, it also aims to introduce the major libraries of the region as well.

Keywords: Library, Islamic civilization, Khurasan, Central Asia, Mosque

* دکترای زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران. دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

پیشینه کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی (مورد مطالعه منطقه ماوراءالنهر و خراسان)

تا جهان بود از سر مردم فراز	کس نبود از راز دانش بی نیاز
مردمان بخرد اندر هر زمان	گنج دانش را به هرگونه زبان
گرد کردند و گرامی داشتند	تا به سنگ اندر همی بنگاشتند از
دانش اندر دل چراغ روشن است	همه بد بر تن تو جوشن است

رودکی سمرقندی

مقدمه

منطقه ماوراءالنهر را به حق باید حلقه اتصال میان کشورهای آسیای مرکزی و ایران دانست. منطقه‌ای که قرن‌ها تاریخ مشترک میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی را از دوران باستان گرفته تا دوره اسلامی رقم زده است و همچنان در پیوند میان ملت‌های این منطقه ایفای نقش می‌نماید. هرچند تاریخ مشترک میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی به قرن‌ها پیش از اسلام برمی‌گردد؛ ولی از آنجا که موضوع این نوشتار به وضعیت کتاب و کتابخانه در ماوراءالنهر پس از اسلام اختصاص دارد صرفاً مقطع زمانی پس از اسلام را بررسی می‌کند.

از سال 85 هجری 704 میلادی که مسلمانان از خراسان گذشتند و سمرقند را گشودند، منطقه ماوراءالنهر نقش ویژه‌ای را در تحولات فرهنگی منطقه عهده‌دار گردید.

پیشینه تمدن در منطقه از یک سو و روح تازه‌ای که با پذیرش آیین اسلام در مردم این سامان دمیده شد زمینه‌ساز تحول فرهنگی، نخست در خود ماوراءالنهر و سپس سرایت آن به سایر مناطق گردید.

از جمله این تحولات تأسیس مساجد و مدارس و در کنار آن کتابخانه‌ها بود، اگرچه ماوراءالنهر پس از سایر مناطق به ویژه بغداد به حوزه تمدن بزرگ اسلامی پیوست ولی رواج کتاب و تأسیس کتابخانه‌ها و مدارس در آن نه تنها چندان دیرتر از بغداد آغاز نشد بلکه در مواردی بر بغداد نیز پیشی گرفت.

محققان عقیده دارند که تأسیس کتابخانه‌ها در دوره اسلامی تابعی از تأسیس مساجد و مدارس بوده است. «شواهد تاریخی فراوان حکایت از آن دارد که مسجد یکی از اولین و

مهم‌ترین مراکز آموزشی مسلمانان بوده و همچنین دلایلی در دست است که اولین کتابخانه‌های عالم اسلام کتابخانه‌های مساجد بودند» (سباعی 1373 الف: 18). از این رو جا دارد که تاریخ تشکیل کتابخانه در مناطق آسیای مرکزی نیز در دوره اسلامی با تأسیس مساجد همراه باشد و به یقین در مساجد و مدارس مهم شهرهای آسیای مرکزی کتابخانه‌هایی پدید آمده است. لذا بررسی تاریخ کتابخانه‌های منطقه ماوراءالنهر با تاریخ تأسیس مساجد و مدارس در این منطقه پیوند می‌خورد.

ماوراءالنهر و خراسان پیشتاز در تأسیس کتابخانه

در منطقه ماوراءالنهر و خراسان بزرگ شاید مساجد دیرتر از سایر بلاد اسلام تأسیس شده باشد ولی مدارس بیشتر از سایر بلاد در این منطقه شکل گرفته است. برخی از نویسندگان و محققان تشکیل مدرسه نظامیه در بغداد را آغاز شکل‌گیری مدارس در تمدن اسلامی عنوان کرده‌اند (ابن‌خلکان 2005: ج 2، 128). حال آن که سال‌ها پیش از آن در بلاد خراسان بزرگ؛ یعنی شهرهایی مانند نیشابور و طوس مدرسی تأسیس شده بود.

دکتر ذبیح‌اله صفا در کتاب تاریخ ادبیات ایران پس از طرح موضوع و نظر ابن‌خلکان در این خصوص با استناد به کتاب طبقات الشافعیه، نوشته سبکی، نظر ابن‌خلکان را رد کرده؛ نتیجه گرفته است که پیش از مدارس نظامیه در مناطقی از ایران مدارس متعددی وجود داشته است. سبکی تنها در شهر نیشابور حداقل از چهار مدرسه مهم نام می‌برد. دکتر صفا می‌افزاید که نظام‌الملک با تأسیس مدارس نظامیه در حقیقت نهضتی را در تأسیس مدارس سازمان یافته به راه انداخته است (صفا 1367: ج 1، 268).

حتی اگر نظریه کسانی که شکل‌گیری نخستین مدرسه در حوزه تمدن اسلامی را مدارس نظامیه از خواجه نظام‌الملک، وزیر سلجوقی عنوان می‌کنند بپذیریم (سباعی 1373 ب: 159). باز هم مدرسه نظامیه بغداد که در سال 459 هجری افتتاح شده نخستین آن نبوده است بلکه شواهدی وجود دارد مبنی بر این که نخستین نظامیه در نیشابور و در سال 456 هجری تأسیس گردیده است (کسایبی 1363: 89).

جرجی زیدان نیز در کتاب تاریخ تمدن اسلامی و تاریخ ادبیات عربی ضمن بررسی آرای مربوط به تأسیس مدارس در تمدن اسلامی تأکید کرده است که نخستین مدارس اسلامی از سوی ایرانیان و به ویژه در نیشابور تأسیس گردید (جرجی زیدان 1983: ج 1، 535 و بی تا: ج 2، 230).

بی‌تردید در این مدارس کتابخانه‌هایی نیز وجود داشته است و این به معنای وجود کتابخانه در مدارس منطقه خراسان پیش از سایر بلاد اسلامی است. با این حال محققان و نویسندگانی که به بررسی وضع کتاب و کتابخانه در حوزه تمدن اسلامی پرداخته‌اند تحقیقات آن‌ها بیشتر متوجه بغداد و مصر و اندلس گردیده و به منطقه ماوراءالنهر چنان‌که شایسته است نپرداخته‌اند. محمد مکی السباعی از جمله این محققان است که تحقیقات خوبی در زمینه کتابخانه‌های مساجد در حوزه تمدن اسلامی انجام داده است ولی در تحقیقات خود بیشتر به مناطق غربی توجه کرده و به مناطق شرقی به ویژه ایران و ماوراءالنهر چنان‌که باید توجه ننموده است.

روی کار آمدن دولت‌های محلی به ویژه سامانیان پیش از حمله مغول و تیموریان پس از آن در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ به مدارس و مساجد و کتابخانه‌های منطقه رونق خاصی بخشید.

علاقه‌مندی دولت‌های ایرانی به علم و دانش دوستی آنان و اهمیتی که برای کتاب و کتابخانه قایل شدند موجب شد که مناطق تحت حکومت آنان به کانون‌های علمی و ادبی تبدیل گردد. به ویژه در دوره سامانیان شهرهایی مانند بلخ و بخارا و مرو و سمرقند و نیشابور به مراکز مهم علمی و ادبی تبدیل شد و جویندگان ادب و دانش دوستان اطراف و اکناف به این شهرها سرازیر شدند.

پدید آمدن بزرگان علمی و ادبی چون رودکی سمرقندی، شهید بلخی، ابوشکور بلخی، ابوالمؤید بلخی و کسایی مروزی را باید نتیجه رواج کتاب و کتابخانه در شرق ایران دانست (صفا 1367: ج 1، 358).

در میان شهرهای ماوراءالنهر سمرقند از جهت دیگری نیز متمایز است و در رشد و توسعه کتاب و کتابخانه تأثیر زیرینایی داشته است. و آن نقشی است که در انتقال صنعت کاغذسازی به سایر بلاد تمدن اسلامی ایفا نموده است و جا دارد که در اینجا تأملی بر این رویداد مهم داشته باشیم.

انتقال کاغذ از سمرقند به سایر بلاد

انسان همواره ابزاری را برای ثبت اندیشه‌ها و ره‌آوردهای علمی خویش جست و جو می‌کرد. از سنگ تا لوح گلین و پوست آهو و چوب درختان و استخوان همه ابزارهایی بوده‌اند که در

دوره‌های مختلف مطالبی به خطوط مختلف بر روی آن‌ها نوشته می‌شد، ولی هریک از این ابزارها مشکلات خاص خود را داشته و اختراع کاغذ و استفاده از آن را باید انقلابی در کار کتابت و انتشار دانش بشری برشمرد.

با پدید آمدن کاغذ کار نوشتن با سهولت بیشتری انجام می‌گرفت و به آسانی قابل جا به جایی بود و در نتیجه دستاوردهای علمی بشر به راحتی از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌گردید و در اختیار جویندگان علم و دانش قرار می‌گرفت.

هرچند اختراع کاغذ در آغاز در خارج از تمدن اسلامی رخ داد ولی انتقال آن به بسیاری از مناطق ایران پس از اسلام و کل حوزه تمدن اسلامی از منطقه ماوراءالنهر بود. به هر حال صنعت کاغذسازی نخست از چین به سمرقند و سپس از آن جا به سایر بلاد راه یافت. به نوشته کتاب مسالک الممالک (134 هـ/751 م) صالح بن زیاد در جنگ اطلاح اسیران چینی را به سمرقند آورد. در میان این اسیران کسانی بودند که از چگونگی ساختن کاغذ اطلاع داشتند. در نتیجه صنعت کاغذسازی در سمرقند به راه افتاد و سپس به مناطق دیگر راه یافت (السباعی 1373 ب: 98).

از این رو نقش سمرقند در منطقه ماوراءالنهر در انتقال صنعت کاغذ به سرزمین‌های تمدن ایرانی پس از اسلام قابل توجه است. برخی از محققان انتقال کاغذ از سمرقند به سایر بلاد ایران و حوزه تمدن اسلامی را پیش از اتمام قرن اول هجری می‌دانند و بر این عقیده‌اند که در همان قرن اول هجری کاغذ از سمرقند به مناطق دیگر ایران و حتی سرزمین‌های عرب زبان راه یافت (زرین کوب 1376: 40). و بدین سان کار کتابت رونق گرفت و انبوهی از کتاب‌ها در کتابخانه‌ها گرد آمد.

اما براساس روایت ابن‌خرداد به رواج صنعت کاغذسازی در حوزه تمدن اسلامی را باید از قرن دوم دانست و به هر روی در دوره عباسی به ویژه از عصر هارون به بعد کاغذ در بغداد نیز متداول بود و بنابه نص مقریزی در الخطط در عصر هارون، خلیفه عباسی، دیوان‌ها را روی کاغذ می‌نوشتند (به نقل از السباعی 1373 ب: 163 - 283).

قلقشندی نیز در صبح الاعشی تصریح کرده است که در عصر هارون الرشید کاغذ رایج بود و دیوان‌ها را بر روی کاغذ می‌نوشتند (قلقشندی 1963: ج 2، 486).

بعدها کاغذ به مصر و اندلس نیز راه یافت و مراکز کاغذسازی تأسیس گردید.

پیشینه کتابخانه‌های خراسان و ماوراءالنهر پیش از اسلام

هرچند موضوع مقاله بررسی وضعیت کتابخانه‌های منطقه خراسان و ماوراءالنهر در دوره اسلامی است؛ ولی ذکر این نکته ضروری است که سابقه کتاب و کتابخانه در این منطقه به پیش از اسلام بر می‌گردد.

در حقیقت میراث دوران باستان ایران و زبان پهلوی را می‌توان در این منطقه جست و جو کرد. از روایت‌های تاریخی برمی‌آید که در شهر مرو در خراسان کتابخانه‌هایی در دوره پیش از اسلام پدید آمده و تا قرن دوم هجری نیز آثار آن برجای مانده است. از این روایت‌ها یکی روایت ابن طیفور در تاریخ بغداد است. وی آورده است که عتابی شاعر دوره عباسی (متوفای 208 هجری) گفته است: برای گرفتن کتب عجم در خزانه کتب مرو بودم و این خزانه از عصر یزدگرد تاکنون برپاست و در کتب عجم معانی موجود است. لغت از ما و معنی از ایشان است. گویا عتابی سفرهای متعددی به مرو و نیشابور داشته است و کتاب‌هایی از عجم را در خزانه کتاب این دو شهر خوانده است.

دیگری روایت مربوط به سرگذشت نسخه خطی بخشی از تورات است به نام «سفر جیشر» که در سال 1934 به زبان انگلیسی در امریکا به طبع رسیده. براساس این روایت راهبی به نام الکوئین در نیمه دوم قرن هشتم میلادی (220 هجری) مطلع می‌شود که نسخه اصلی تورات بیشتر در کتابخانه شهر غزنه نگهداری می‌شود و عازم غزنه می‌شود و در خزانه کتاب غزنه از این کتاب نسخه‌برداری و آن را ترجمه می‌کند.

هر دو روایت که آقای سید محسن حسینی در مقاله‌ای در کنگره بین‌المللی کتاب و کتابخانه در سال 1374 به آن اشاره کرده نشان می‌دهد که در قرن دوم هجری در منطقه خراسان بزرگ کتابخانه‌هایی وجود داشته است که بقایای کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام بوده است (حسینی 1379: 421).

بنابراین می‌توان گفت پیشینه تاریخی و فرهنگی منطقه خراسان بزرگ و ماوراءالنهر در رشد و توسعه کتاب و کتابخانه در این منطقه تأثیرگذار بوده است.

کتاب و کتابخانه در شهرهای ماوراءالنهر و خراسان در دوره اسلامی

در حقیقت تأسیس کتابخانه‌هایی در دوره اسلامی در این منطقه اگرچه نتیجه تحول اجتماعی بود که بر اثر راه یافتن دین اسلام به خراسان و ماوراءالنهر پدید آمد و فرهنگ اسلامی نیز به

گونه‌ای بود که فراگیری دانش را تشویق می‌کرد و لازمه دانش آموختن کتاب و کتابخانه بود؛ ولی پیشینه فرهنگی منطقه نیز از استعداد لازم برای اهتمام به امر کتاب و کتابخانه برخوردار بود و به همین علت در این منطقه در دوره اسلامی بیشتر از بسیاری از بلاد اسلام کتابخانه‌هایی پدید آمد که این کتابخانه‌ها لزوماً وابسته به مساجد و مدارس نبود؛ بلکه گاهی وابسته به پادشاهان و امرا و گاهی نیز کتابخانه‌های خصوصی بود. در این قسمت به برخی از مهم‌ترین کتابخانه‌های دوره اسلامی در شهرهای مهم ماوراءالنهر و خراسان بزرگ اشاره می‌کنیم.

بخارا

بخارا یکی از کانون‌های علمی، فرهنگی ایران پس از اسلام به‌شمار می‌آید، تأمل در شمار دانشمندی که از بخارا برخاسته‌اند یا در بخارا به تحصیل علم پرداخته‌اند یا کسانی که به بخاری ملقب گشته‌اند حکایت از اهمیت این شهر و پویایی علمی آن در قرن‌های گذشته دارد (جرجی زیدان 1983: ج 1، 535).

این شهر به واسطه موقعیت سیاسی و علمی و شرایط تاریخی فراهم شده دارای کتابخانه‌های مهمی بوده است. بعلاوه بخارا از جمله شهرهایی است که نخستین کتابخانه‌های تمدن اسلامی قدیم در آن شکل گرفته است. ذیلاً به دو مورد از مهم‌ترین کتابخانه‌های این شهر اشاره می‌شود.

1 - کتابخانه نوح بن منصور سامانی در بخارا

بی‌تردید کتابخانه نوح بن منصور سامانی در بخارا یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین کتابخانه‌های ماوراءالنهر به‌شمار می‌آید.

نوح بن منصور (متوفای 385 هجری) خود از امیران دانش‌پرور سامانی بود که در دربار او دانشمندان و ادیبان فراوانی گرد آمده بودند و کتابخانه او یکی از معتبرترین کتابخانه‌های آن روزگار بود. و این همان کتابخانه‌ای است که ابن‌سینا پس از معالجه امیر سامانی به آن راه یافته و در توصیف آن آورده است: «سپس روزی از او (نوح بن منصور) دستور خواستم که به کتابخانه‌شان بروم و آنچه از کتاب‌های پزشکی در آنجا هست بخوانم و مطالعه کنم. سپس مرا دستوری داد و به سرایی اندر شدم که خانه‌های بسیار داشت و در هر خانه‌ای صندوق‌های

کتاب بود که روی هم انباشته بودند، کتاب‌هایی یافتیم که نام آن‌ها به بسیاری از مردم نرسیده بود» (ابن ابی اصیبعه: 4).

از چگونگی راه‌یابی ابوعلی سینا به کتابخانه امیر سامانی می‌توان دانست که تا چه حد این گنجینه علمی ارزشمند بوده است، زیرا ابن سینا به راحتی به این کتابخانه راه نیافت بلکه اولاً خود دارای شخصیت علمی ویژه‌ای بود و ثانیاً پس از انجام کارهای مهم که همانا درمان امیر سامانی بود توانست به کتابخانه امیر راه یابد. تاریخ کتابخانه نوح بن منصور با ماجرای راه‌یابی ابن سینا به این کتابخانه پیوند خورده و عموم نویسندگان و محققان به آن اشاره کرده‌اند: (همايون 1347: 4؛ صفا 1367: ج 1، 263)

2 - کتابخانه مدرسه اسماعیل سامانی

کتابخانه دیگری که در بخارا حتی زودتر از کتابخانه نوح بن منصور وجود داشته کتابخانه مدرسه اسماعیل سامانی (متوفی 295 هجری) است (حسینی 1379: 425).

اسماعیل سامانی که از جانب نصرین احمد سامانی حاکم بخارا گردید پس از وفات نصر در سال 279 بر همه ماوراءالنهر حکمرانی یافت و سپس در پی جنگ‌هایی که انجام داد توانست خراسان را ضمیمه حکومت خود نماید و سرانجام دولت مقتدر سامانیان را در بخش مهمی از ایران به وجود آورد (صفا 1367: ج 1، 205).

به هر روی اسماعیل که چون دیگر امرای سامانی امیری دانش دوست و علاقه‌مند به ایران بود مدرسه‌ای برای تحصیل طالبان علم بنا نهاد که در آن کتابخانه‌ای نیز وجود داشت و از جمله نخستین کتابخانه‌ها در منطقه ماوراءالنهر به‌شمار می‌آمد.

3 - کتابخانه خاندان بلعمی

خاندان بلعمی، از دانشمندان ایرانی هستند که وزارت سامانیان را داشتند. از مشهورترین افراد این خاندان ابوالفضل محمدبن عبیداله بلعمی، وزیر نصرین احمد سامانی و دیگری ابوعلی محمدبن محمد بلعمی، فرزند ابوالفضل بلعمی است که وزارت شاهان سامانی به ویژه وزارت منصورین نوح را داشته است و تاریخ طبری را نیز به فارسی ترجمه کرده است. این خاندان بزرگ کتابخانه‌ای مهم در بخارا داشته‌اند (حسینی 1379: 426).

نیشابور

کتابخانه‌هایی که در نیشابور ایجاد شد بسیار فراتر از کتابخانه‌های سایر شهرهای منطقه بود. پیشینه تاریخی نیشابور در دوره پیش از اسلام و جایگاه مهم علمی این شهر اقتضا می‌کرد که مدارس و مراکز علمی متعدد در آن بنا نهند و این امر خود موجبات فراوانی کتابخانه‌ها را در پی داشت.

از جمله مهم‌ترین این کتابخانه‌هاست:

- کتابخانه مسجد منیعی نیشابور که در سال 431 هجری توسط ابوالحسن عبدالجلیل از سوی سلطان مسعود غزنوی ساخته شد.

- کتابخانه مسجد عقیل نیشابور که توسط ابوعبداله محمدبن عقیل نیشابوری بنا نهاده شد.

- کتابخانه مدرسه ابواسحاق اسفراینی نیشابور که پیش از سال 405 هجری تأسیس گردیده است.

- کتابخانه مدرسه دارالسنه نیشابور. این مدرسه در حدود سال 330 هجری بنیاد گردید و دارای کتابخانه معروف و معتبری بود.

- کتابخانه مدرسه صابونی نیشابور که توسط خاندان صابونیان نیشابور در روزگار غزنویان تأسیس شد.

- کتابخانه مدرسه بیهقی نیشابور که پیش از سال 405 هجری توسط علی‌بن حسین بن علی بن شیخ موفق بیهقی تأسیس گردیده است.

- کتابخانه مدرسه نظامیه نیشابور که نخستین مدرسه نظامیه بود که در سال 456 تأسیس گردید (کسایبی 1363: 89).

علاوه بر کتابخانه‌های یاد شده کتابخانه‌های دیگری نیز در نیشابور وجود داشت که از ذکر آن خودداری می‌کنیم (حسینی 1379: 430).

غزنه

- سلطان محمد غزنوی در اوایل قرن پنجم هجری در پایتخت خود، غزنه مدرسه‌ای بنا کرد که دارای کتابخانه بزرگی بود و بسیاری از کتاب‌های آن را از کتابخانه‌های ری آورده بودند (السباعی 1373ب: 163).

- سلطان مسعود بن ابراهیم غزنوی، از آخرین پادشاهان غزنوی نیز کتابخانه مهمی در غزنه تأسیس کرد. و این همان کتابخانه‌ای است که مسعود سعدسلمان، شاعر معروف فارسی زبان تا سال 515 هجری سمت کتابداری آن را بر عهده داشته است (حسینی 1379: 431).

هرات

کتابخانه مدرسه نظامیه هرات که توسط خواجه نظام‌الملک تأسیس شد، کتابخانه‌ای معتبر به شمار می‌آمد و تا قرن پنجم فعال بود (کسائی 1363: 247).

مرو

در مرو کتابخانه‌های متعددی وجود داشته است، از جمله منابع مهم که از این کتابخانه‌ها و اهمیت آن یاد کرده است کتاب معجم‌البلدان یاقوت حموی است. یاقوت ضمن اشاره به عظمت و اهمیت شهر مرو از کتابخانه‌های آن شهر یاد می‌کند و خدمات کتابخانه‌های آن و شیوه امانت‌دهی کتاب آن را می‌ستاد. از جمله کتابخانه‌های مهم این شهر عبارت است از:

- کتابخانه عزیزیه در جوار مسجد جامع مرو؛

- کتابخانه کمالیه؛

- کتابخانه شرف‌الملک؛

- کتابخانه نظام‌الملک؛

- کتابخانه‌های خاندان سمعانی؛

- کتابخانه عمیدیه؛

- کتابخانه مجد‌الملک؛

- کتابخانه خاتونی؛

- کتابخانه ضمیریه؛

(حموی 1979: ج 5، 114).

نتیجه‌گیری

تمدن اسلامی تا پیش از حمله مغول که از شرق تا سمرقند و مرزهای ترکستان و در غرب تا اندلس گسترده بود، تمدنی مبتنی بر فکر و اندیشه بود. در نتیجه در این دوران به کتاب و

تأسیس کتابخانه توجه فراوانی داشتند و در عموم بلاد حوزه تمدن اسلامی کتابخانه‌های عظیمی تأسیس گردید.

در این میان منطقه ماوراءالنهر و خراسان بزرگ در شرق تمدن اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و در گسترش فرهنگ کتاب و تأسیس کتابخانه پیشتاز بود. هرچند برخی از مورخان و محققان کوشیده‌اند شکل‌گیری نخستین کتابخانه‌ها را به شهرهایی مانند بغداد و مصر نسبت دهند، ولی شواهد تاریخی و بررسی‌های معاصران حکایت از آن دارد که منطقه ماوراءالنهر و خراسان در تأسیس کتابخانه پیشتاز سایر بلاد حوزه تمدن اسلامی بوده است.

در شهرهایی مانند بخارا و سمرقند و نیشابور و مرو کتابخانه‌های مهم و بی‌نظیری وجود داشته است و دوره سامانیان که از امیران ایرانی و دانش‌دوست بودند اوج درخشش منطقه از نظر اهتمام به کتاب و تأسیس کتابخانه به‌شمار می‌آید. لذا جایگاه علمی و فرهنگی ماوراءالنهر و خراسان و سهم آن در ترویج فرهنگ و کتاب و تأسیس کتابخانه در منطقه آسیای مرکزی و ایران سهمی قابل توجه است.

منابع

- آدام منتر. 1930. الحضارة الاسلامیه فی القرن الرابع الهجری. ترجمه محمد عبدالهادی ابوریده. قاهره.
- ابن خلکان. 2005. وفیات الاعیان. تحقیق احسان عباس. چاپ چهارم. بیروت: دارصادر.
- جرجی‌زیدان. 1983. تاریخ آداب اللغة العربیه. بیروت: دارمکتبه الحیاه.
- جرجی‌زیدان. بی‌تا. تاریخ التمدن الاسلامی. بیروت: دارمکتبه الحیاه.
- حسینی، سیدمحسن. 1379. "کتابخانه‌های خراسان و ماوراءالنهر قبل از هجوم مغول". مجموعه مقالات کنگره کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی. قم: آستان قدس رضوی.
- حموی، یاقوت. 1979. معجم البلدان. ج 5. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- خطیب بغدادی. بی‌تا. تاریخ بغداد. بیروت: دارالفکر.
- زرین کوب، عبدالحسین. 1376. کارنامه اسلام. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

السباعی، محمد مکی. 1373 الف. تاریخ کتابخانه‌های مساجد. ترجمه محمد عباسپور. قم: آستان قدس رضوی.

_____، 1373 ب. نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی. ترجمه دکتر علی شکویی. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

صفا، ذبیح‌اله. 1367. تاریخ ادبیات در ایران. چاپ هشتم. تهران: انتشارات فردوسی.

قلقشندی. 1963. صبح الاعشی. مصر: مؤسسه المصریه العامه للتألیف و النشر.

کسای، نوراله. 1363. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن. تهران: انتشارات امیرکبیر.

مدیر شانه‌چی. 1374. کاظم، کتاب و کتابخانه در اسلام. مشهد: آستان قدس رضوی.

مقدسی، محمد بن احمد. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی. شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

ولایتی، علی‌اکبر. 1379. "خلاصه مجملی از پیدایش کتاب و کتابخانه در ایران"، مجموعه مقالات کنگره کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی.

همایون فرخ، رکن‌الدین. 1347. تاریخچه کتابخانه‌های ایران در دوران پس از اسلام. تهران: انتشارات زوار.

یاحقی، محمدجعفر. 1378. از جیحون تا وخت. مشهد: آستان قدس رضوی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی